
حیات بعد از مرگ از دیدگاه غزالی و ملاصدرا

مؤلف:

سعید حاتمی تاجیک

سرشناسنامه: حاتمی تاجیک، سعید، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدیدآور: حیات بعد از مرگ از دیدگاه غزالی و ملاصدرا/ مؤلف: سعید حاتمی تاجیک؛
ویراستار: نقش بندیان.

مشخصات نشر: ایلام: نشر ریسمان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۶۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۷-۶۳-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: غزالی محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ق. دیدگاه درباره زندگی پس از مرگ.

موضوع: Ghazzali, Mohammad ibn Mohammad- Views on Future life

موضوع: غزالی محمد بن محمد، ۴۵۰-۵۰۵ق. دیدگاه درباره معاد

موضوع: Ghazzali, Mohammad ibn Mohammad- Views on eschatology

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق. دیدگاه درباره زندگی پس از مرگ

موضوع: Sadraddin shirazi, Mohammad ebn Ebrahim- Views on Future life

موضوع: جاودانگی (فلسفه)

موضوع: Immortality (Philosophy)

موضوع: فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Islam philosophy- Early works to 20th century

موضوع: زندگی پس از مرگ (اسلام)

موضوع: Future life- Islam

رده‌بندی کنگره: BBR ۵۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی: ۸۴۶۸۷۱۹

حیات بعد از مرگ از دیدگاه غزالی و ملاصدرا

مؤلف: سعید حاتمی تاجیک

صفحه آرا: سجاد حاتمی

طراح جلد: خانم حیدری

ویراستار: ریسمان

نوبت چاپ: نخست/ ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۹۵۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۷-۶۳-۰

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش تهران:

فروشگاه شماره ۱: پخش کتاب آثار- خیابان شهدای ژاندارمری- تلفن ۶۶۴۶۰۲۳۳

فروشگاه شماره ۲: نشر و پخش دوستان- خیابان فخررازی- تلفن ۶۶۴۹۲۹۶۲

فروشگاه شماره ۳: انتشارات حکمت- خیابان انقلاب نبش خیابان وصال شیرازی-

تلفن ۶۶۴۶۱۲۹۲

مرکز پخش شهرستان:

ایلام - کتاب ققنوس ۰۹۱۸۱۴۱۳۴۰۴

WWW.RISMANPUB.COM

INFO@RISMANPUB.COM



نشر ریسمان



کلیات مرتبط با حیات بعد از مرگ و معاد

مقدمه	۱۷
مبحث اول: مفاهیم مرتبط با معاد و حیات بعد از مرگ و جاودانگی	۲۰
گفتار اول: جاودانگی از نظر ادیان ابراهیمی	۲۰
گفتار دوم: مباحث فلسفی مرتبط با جاودانگی	۲۳
بند اول: حافظه	۲۵
بند دوم: بدن	۲۶
بند سوم: نفس	۲۶
بند چهارم: رابطه نفس و بدن	۲۸
گفتار دوم: صورتهای بقاء و جاودانگی	۲۹
بند اول: تناسخ	۲۹
بند دوم: بدن مثالی	۳۰
بند سوم: روح مجرد از بدن	۳۰
بند چهارم: رستاخیز (معاد جسمانی)	۳۰
گفتار سوم: مهم‌ترین دلایل منکرین بقاء	۳۲
گفتار چهارم: بررسی دلایل مخالفین بقاء	۳۳
مقدمه	۳۵

فصل اول: حیات بعد از مرگ و معاد در قاموس غزالی

- ۴۲..... مبحث اول بررسی زندگی نامه و آثار غزالی
- ۴۲..... گفتار اول: بررسی زندگی نامه غزالی
- ۴۴..... ۱- سال میلاد غزالی (۴۵۰ ه.ق = ۱۰۵۸ م)
- ۴۵..... ۲- آغار یتیمی (احتمالاً ۴۵۷ ه.ق = ۱۰۶۵ م)
- ۴۵..... ۳- راه یافتن به مدرسه (۴۶۳ ه.ق = ۱۰۷۰ م)
- ۴۶..... ۴- نخستین سفر (احتمالاً ۴۶۸ ه.ق = ۱۰۷۵ م)
- ۴۸..... ۵- سفر به نیشاپور (۴۷۳ ه.ق = ۱۰۸۰ م)
- ۴۸..... ۶- آشنایی با خواجه نظام الملک طوسی (۴۷۸ ه.ق = ۱۰۸۵ م)
- ۴۹..... ۷- آغاز استادی در نظامیه بغداد (۴۸۴ ه.ق = ۱۰۹۱ م)
- ۴۹..... ۸- مردم گریزی (۴۸۸ ه.ق = ۱۰۹۴ م)
- ۵۰..... ۹- بازگشت به میان مردم (۴۹۹ ه.ق = ۱۱۰۵ م)
- ۵۲..... ۱۰- در کنار مردم دیار خود (۵۰۳ ه.ق = ۱۱۰۹ م)
- ۵۲..... ۱۱- پیوستن به جاودانگان (۵۰۵ ه.ق = ۱۱۱۱ م)
- ۵۳..... گفتار دوم: بررسی آثار غزالی
- ۵۴..... ۱- احیاء علوم الدین
- ۵۵..... ۲- الاقتصاد فی الاعتقاد
- ۵۵..... ۳- تهافت الفلاسفه
- ۵۶..... ۴- المنقذ من الضلال
- ۵۶..... ۵- نصیحه الملوک یا التبر المسبوك فی نصیحه الملوک
- ۵۶..... ۶- کیمیای سعادت
- ۵۶..... ۷- فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه
- مبحث دوم: بررسی دیدگاه‌های مختلف در باب معاد جسمانی از جمله دیدگاه غزالی در این زمینه
- ۵۷.....
- ۵۸..... گفتار اول: حکمای یونان و معاد جسمانی

گفتار دوم: متکلمان و اهل حدیث و معاد جسمانی:.....	۵۹
گفتار سوم: دیدگاه بزرگان حکمت و مشایخ عرفان شریعت اسلام و گروهی از متکلمان همچون غزالی.....	۵۹
گفتار چهارم: دیدگاه فلاسفه و پیروان مشاء از جمله ابن سینا درباره معاد جسمانی.....	۶۰
مبحث سوم: مبانی نظری چیستی معاد جسمانی و حیات بعد از مرگ از دیدگاه غزالی.....	۶۳
گفتار اول: دلیل اول: دیدگاه جواز اعاده معدوم.....	۶۴
گفتار دوم: دلیل دوم: دیدگاه معاد جسمانی با تغییر در ساختار آن.....	۶۵
گفتار سوم: دلیل سوم: دیدگاه اتحاد بدن دنیوی و اخروی در اجزای کل.....	۶۷
گفتار چهارم: دلیل چهارم: دیدگاه غزالی.....	۶۸
گفتار پنجم: دلیل پنجم: جسم عنصری محشور نمی شود، بلکه جسم او جسمی مثالی است.....	۶۹
مبحث چهارم: دیدگاه غزالی در معنای نفس و اثبات وجود آن در حوزه معاد.....	۷۰
گفتار اول: دو معنای نفس از دیدگاه غزالی در حوزه معاد.....	۷۰
گفتار دوم: انواع نفس از دیدگاه غزالی.....	۷۲
گفتار سوم: معنای نفس از نظر غزالی.....	۷۶
بند اول: معنای نفس.....	۷۶
بند دوم: معنای قلب.....	۷۸
بند سوم: معنای روح.....	۷۹
بند چهارم: معنای عقل.....	۸۰
گفتار چهارم: جایگاه نفس در اندیشه فلسفی غزالی.....	۸۱
گفتار پنجم: اعتراض غزالی بر فلاسفه در تعریف نفس.....	۸۴
گفتار ششم: ادراک کلیات و استنتاج های عقلی، دلیلی بر نفس ناطقه از دیدگاه غزالی در حوزه معاد.....	۹۰

گفتار هفتم: اثبات نفس از طریق برهان استمرار از دیدگاه غزالی.....	۹۴
مبحث پنجم: غزالی و معاد روحانی.....	۹۵
گفتار اول: ادله‌های وجود شناختی مجرد نفس به عنوان معاد روحانی.....	۹۸
گفتار دوم: ادله ماهیت شناختی معاد روحانی از دیدگاه غزالی.....	۱۰۰
گفتار سوم: ادله و براهین وجود معاد روحانی از دیدگاه غزالی.....	۱۰۱
۱- برهان طبیعی:.....	۱۰۱
۲- برهان پسیکولوژی عقلی:.....	۱۰۲
۳- برهان استمرار:.....	۱۰۲
۴- نفس جایگاه معقولات است:.....	۱۰۳
۵- برهان رجل طائر:.....	۱۰۴
۶- برهان دینی:.....	۱۰۵
مبحث ششم: مبانی نظری غزالی در معاد جسمانی.....	۱۰۵
گفتار اول: پذیرش وجود نفس:.....	۱۰۵
گفتار دوم: ضروری بودن وجود بدن در زندگی اخروی:.....	۱۰۶
گفتار سوم: ملاک این همانی شخصیت نفس است:.....	۱۰۶

فصل دوم: جایگاه معاد و ارتباط نفس و تناسخ با حیات بعد از مرگ

دیدگاه ملاصدرا

مقدمه.....	۱۱۱
مبحث اول: زندگی ملاصدرا و شیوه فلسفی وی.....	۱۱۵
گفتار اول: شرح کوتاهی از زندگی ملاصدرا (ره).....	۱۱۵
گفتار دوم: شیوهی فلسفی ملاصدرا:.....	۱۱۷
گفتار سوم: نوآوری‌ها و ابتکارات فلسفی ملاصدرا.....	۱۲۱
مبحث دوم: جایگاه معاد و حیات پس از مرگ در منظومه فلسفی ملاصدرا:.....	۱۲۷
گفتار اول: جایگاه بحث معاد و حیات پس از مرگ در آثار ملاصدرا.....	۱۲۷

گفتار دوم: ملاصدرا و اشارات وی بر معاد جسمانی در تفسیر وی از سوره واقعه:	۱۳۰
گفتار سوم: وجوه تفاوت میان جسدهای این جهانی و آن جهانی از دیدگاه ملاصدرا	۱۳۴
گفتار چهارم: تفاوت دنیا و آخرت در نحوه‌ی وجود جسمانی از دیدگاه ملاصدرا	۱۳۶
مبحث سوم: نفس از دیدگاه ملاصدرا و ارتباط آن با حیات بعد از مرگ و معاد	۱۳۹
گفتار اول: حدوث جسمانی نفس:	۱۳۹
گفتار دوم: برای هر انسانی نفس واحدی است:	۱۴۲
گفتار سوم: کیفیت تعلّق نفس به بدن از دیدگاه ملاصدرا:	۱۴۳
گفتار چهارم: جسم مرکبی برای نفس:	۱۴۵
گفتار پنجم: آنچه از بدن که همراه نفس باقی می‌ماند:	۱۴۶
گفتار ششم: کیفیت تدبیر بدن توسط نفس:	۱۴۶
گفتار هفتم: نحوه‌ی ارتباط تجرّد نفس با معاد جسمانی از دیدگاه ملاصدرا	۱۴۸
مبحث چهارم: بررسی دیدگاه ملاصدرا نسبت به مسئله تناسخ در حوزه معاد	۱۴۹
گفتار اول: مفهوم شناسی تناسخ و انواع آن	۱۴۹
بند اول: تناسخ در لغت و اصطلاح	۱۴۹
بند دوم: اقسام تناسخ	۱۵۱
بند سوم: انواع تناسخ از نظر ملاصدرا	۱۵۴
بند چهارم: رجعت و تفاوت آن با تناسخ	۱۵۷
بند پنجم: تناسخ در اسلام	۱۶۰
بند ششم: آیات مورد تمسک قائلان به تناسخ	۱۶۳
بند هفتم: تناسخ از نظر قرآن و حدیث:	۱۶۳

مقدمه

مرگ ساده‌ترین واقعیت زندگی انسان است. همواره به حکم فطرت و مقتضای سرشت انسان، این پرسش در ضمیر ناخودآگاه هر آدمی مطرح می‌شود، آیا مرگ پایان راه است؟ آیا انسان توان این را دارد فراتر از مرگ برود و در نشئه دیگر زنده شود؟ اما به علت محدودیت انسان برای دست یابی به اسرار پیچیده و ناشناخته عالم پس از مرگ، دروازه‌های عالم پس از مرگ همواره بسته است و پهنه وسیعی از نیروی فکر و اندیشه بشری را با نوعی نگرانی آمیخته به تردید و ناباوری معطوف به خود کرده است. با بررسی تاریخ ملل و ادیان باستان به وضوح در می‌یابیم که، بشر در تمام ادوار تحت تأثیر فطرت خویش، همیشه اعتقاد و اندیشه به بقای پس از مرگ را گاه بی‌گاه در فرصت‌های مناسب با برپاداشتن نوعی سنن و آداب مربوط به مرگ و پرستش ارواح، به صورت‌های مختلف در زندگی خویش بیان داشته، با این تفاوت که آثار و جلوه‌های این تظاهر درونی در هر عصر و زمانی، بستگی تام به کیفیت و شعور بشری داشته و به نحوی از هم متمایز و متفاوت بوده است. به جهت این که، علاقه به جاودانگی تأثیر عمیق در طول تاریخ بر زندگی

انسان داشته است، بحث از بقاء و جاودانگی آموزه دینی است و از اجزا و عناصر نظام اعتقادی بسیاری از ادیان به حساب می‌آید.

اقوام و ملل باستانی زندگی پس از مرگ را دارای همان اشتیاق و حواجی ایام حیات می‌دانستند^۱ و در نتیجه برای تأمین نیازهای مادی متوفا، کنار جسد وسائل زندگی، آلات و ابزار و اغذیه و البسه و اشیای قیمتی میت در قبر او قرار دادند یا حتی سلاطین را همراه زنان و خدمتگزاران آنان دفن می‌کردند. رنگ آمیزی کردن اجساد یا مومیایی کردن آنها، دفن کردن مردگان رو به مشرق از جمله این آداب و رسوم است که میل فطرتی بشر را به بقاء بازگو می‌کند. با وجود این، از نحوه دفن مردگان در این دوران معلوم می‌شود، نوعی بیم و واهمه از مردگان خود داشتند، مردگان را به صورت مختلف می‌بستند یا سنگ سنگین بر روی قبر آن قرار می‌دادند تا مانع رفت و آمد ارواح شوند و یا برای خشنودی ارواح هدایایی به آنها تقدیم می‌کردند تا آزار و اذیت مردگان را نسبت به خود دفع کنند.

با بررسی تمامی آداب و رسوم و آیین‌های مرتبط با مرگ و مردگان اقوام و ملل باستان دو نکته قابل تأملی را درخواستیم یافت: نخست این که، با تکامل سطح فکر و اندیشه بشر، باور به وجدان اخلاقی در وجود آنها شکل گرفت و لذا میل به بقاء دیگر، آرزوی خودخواهانه بشر برای جاودانگی خود کوچکش نبود، بلکه جاودانگی و حیات پس از مرگ با

۱- بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، تهران: ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی،

وجدان اخلاقی رابطه تنگاتنگی یافت. ^۱ به این ترتیب، این میل به جاودانگی از جهت تعالی انسان مورد توجه ذهن بشر قرار گرفت و این نگرش در ذهن بشر شکل گرفت که اموات مورد قضاوت آخروی قرار می‌گیرند و هر شخص پیامدهای اخلاقی رفتارهای گذشته خود را درمی‌یابد و متحمل عذاب خواهد شد یا زندگی سرورمندی خواهد داشت. به عنوان مثال می‌توان به مصر باستان اشاره کرد: در مصر باستان، اموات در تالار اوزیریس، که از نظر مصریان خدای مردگان بود، توسط ترازو و با ضابطه اخلاقی معات مورد قضاوت قرار می‌گیرند. روی یک کفه ترازو یک پر که نشان دهنده معات است، قرار می‌دهند، در کفه دیگر ترازو قلب شخص قرار دارد. اگر قلب شخص به گناه آلوده نباشد، سبک خواهد بود. ولی اگر قلب به خاطر شرارت سنگین باشد، ترازو سنگینی آن را آشکار می‌سازد. در ایران باستان، دین زرتشت، این ضابطه اخلاقی اشته است که اشخاص پس از مرگ براساس میزان سرسپردگی به اشته مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

نکته دوم: بیشتر این ادیان انسان را دارای حقیقتی غیر از بدن می‌دانستند، که بعد از مرگ یا به همان بدن باز می‌گردد و یا به بدن دیگر و یا بدون بدن به زندگی خویش ادامه می‌دهد. با تأمل در مطالب بیان شده، می‌توان ضرورت بحث از جاودانگی را از دو جهت مهم تبیین کرد:

^۱ - چایدستر، شور جاودانگی، ترجمه غلام حسن توکلی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان

و مذاهب، ۱۳۹۰ ص ۳۵۱

^۲ - همان، صص ۲۹۰ و ۲۸۱

نکته اول: علاقه به جاودانگی با حیات بشر عجین شده است. توجه به تاریخ بشر نشان می‌دهد که انسان از دیرباز در ذهن خود سودای جاودانه بودن را می‌پرورانده است. فراوانی این میل در انسان‌ها به حدی است که برخی وجود چنین میلی را بهترین دلیل بر وجود جاودانگی دانسته‌اند.

نکته دوم: تبیین مسئله زندگی پس از مرگ از منظر عمل‌گرایانه نیز ارزشمند است. اعتقاد به زندگی پس از مرگ و یقین به ثواب و عقاب آخروی تأثیر بسیاری در اخلاقی زیستن و منش فردی و اجتماعی دارد. انسان در پرتو اراده و اختیار خویش در تعیین چگونگی سرنوشت خویش سهیم گشته و مسئول اعمال خویش و مستوجب کیفر و پاداش خواهد شد.

مبحث اول: مفاهیم مرتبط با معاد و حیات بعد از مرگ و جاودانگی گفتار اول: جاودانگی از نظر ادیان ابراهیمی

در ادیان ابراهیمی، یهود، مسیحیت، اسلام، باور به حیات پس از مرگ بر مبنای توحید، معنای خاصی می‌یابد. اعتقاد به خدا به عنوان یک حقیقت مطلق، با صفات مطلق و نامتناهی همچون قدرت، علم، حکمت، رحمت، عدالت ما را ملزم به باور به عالم پس از مرگ می‌کند. تعالیم ادیان ابراهیمی بیان دارد، ایمان به عالم پس از مرگ و نظام جزاء و پاداش زندگی را توجیه و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد و با دادن هدف که، سیر دادن بشر در مدار تکامل جهان هستی است آن را

از بیهودگی و لغو بودن بیرون می‌آورد. این باور وجود انسان را با موجی از امید و عشق لبریز می‌کند، حس مسئولیت را در ضمیر افراد بیدار می‌کند و آنان را در مسیر تکامل روحی قرار می‌دهد. هر یک داستان‌های مربوط به مرگ و عالم پس از مرگ در کتب مقدس یک الگوی خاصی را برای زیستن در عالم مطرح و ارزش‌ها و اولویت خاصی برای زندگی تعیین می‌کند.^۱ دردین یهود نسبت به چگونگی زندگی پس از مرگ جزمیت خاصی وجود ندارد، این بدان علت است که در تورات اشاره چندانی به نحوه زندگی پس از مرگ نشده است. سنت یهودی که ریشه در خاور نزدیک دارد، رهیافتی نسبت به مرگ پرورش داد که از بسیاری جهات به ادیان مصر، ایران باستان و بین النهرین شباهت دارد. در دین باستانی اسرائیل، شخص پس از مرگ، روحش به سوی خدا بازمی‌گردد و جسمش به زیر زمین در محلی به نام شئول به صورت نیمه هوشیار و شبخ گون که کسی را در آن بازگشتی نیست، تنزل می‌یابد. اما تدریجاً دردین باستانی اسرائیل بعد از دوران اسارت و تخریب اورشلیم تحت تأثیر اندیشه یونانیان و ایرانیان و بابلی اندیشه رستاخیز اموات در آخر زمان شکل گرفت و این انتظار شکل گرفت که اموات، دوباره زنده خواهند شد؛ آن‌ها به بدن هایشان بازگشته و به خاطر اعمال گذشته خود مورد محاکمه قرار گرفته و ثواب و عقاب می‌شوند.

در مسیحیت مرگ با گناه در ارتباط و میراثی است که آدم و حوا بر اثر نافرمانی خود برای تمامی نسل‌های بعدی برجای گذاشتند، زیرا

۱- قاضی طباطبایی، زندگی جاودانه، تهران، آشیان کتاب، ۱۳۹۴، صص ۲۷۹-۲۸۱

که آدم و حوا پیش از سقوط، تابع مرگ نبودند. از این رو، مرگ جسمانی تابع مرگ روحانی است و در حکم مجازات و لعنت قرار دارد^۱ و رستاخیز نمایانگر پیروزی بر مرگ است.^۲

اعتقاد به عالم پس از مرگ و رستاخیز از اصول دین اسلام و شرط مسلمانی می‌باشد و مرگ در قرآن کریم با واژه توفی تعبیر شده است. توفی به معنای وفات می‌باشد نه فوت. واژه فوت به معنای نابودی و نیستی مطلق است.^۳ بنابراین، از آیات قرآن چنین برمی آید مرگ، نیستی و نابودی نمی‌باشد، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر است. مرگ حقیقت و هویت انسان را می‌ستاند. حقیقت انسان جسم او نیست، بلکه نفس یا روح است که مرتبه بالاتر از جسم و از سنخ عالم دیگر یعنی عالم ملکوت می‌باشد. مرگ بازگشت این حقیقت به اصل خویش است. قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ^۴

بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته‌اند جانتان را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگشت خواهید کرد. اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۵

^۱ مکارث، الاهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳: ۳۲۴

^۲ چایلدستر، شوراودانگی، پیشین، ۱۳۹۲: ۳۲۲

^۳ جوادی آملی، معاد در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱ و آیت ... جعفر سبحانی، معادشناسی، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۶، ص ۲۰

^۴ -سوره سجده/ آیه ۱۱

^۵ -سوره زمر آیه ۴۲